دورنما

روابط امریکا و چین از تقابل نرم به سمت رویارویی سخت می‌رود

چشم‌انداز جنگی چرخش شرقی بایدن

سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین امریکا در ۲۰۱۱ سیاست راهبردی امریکا را برای چرخش از حوزه آتلانتیک به سمت پاسیفیک اعلام کرد. رشد سریع اقتصادی چین در سه دهه گذشته و قدرت نظامی آن به همراه پیوندهای گسترده‌ای که در عرصه بین‌الملل ایجاد کرده است، از عمده دلایل این چرخش بود. به عبارت روشن‌تر، استراتژیست‌های امریکا اولویت حوزه آتلانتیک و اروپای غربی را در سیاست خارجی امریکا محصول جنگ سرد و تقابل با بلوک شرق به رهبری شوروی می‌دانستند که پس از فروپاشی این بلوک در اوایل دهه ۹۰، به تدریج از اهمیت استراتژیک این حوزه در سیاست خارجی امریکا کاسته شد و ظهور قدرت چین جای آن را گرفت. با وجود این، وقوع یک سلسله وقایع در خاورمیانه از بهار عربی گرفته تا ظهور داعش و جنگ با آن، باعث شد اوباما نتواند تغییر استراتژیک موردنظر خود را انجام دهد. هر چند دونالد ترامپ در چهار سال ریاست جمهوری خود، جنگ تعرفه‌ها را علیه چین راه انداخت، اما تقابل او محدود به عرصه قدرت نرم اقتصادی و وضع تعرفه‌ها بود، درحالی‌که وقایع چند روز گذشته نشان داد ریاست جمهوری بایدن می‌تواند تقابل با چین را به عرصه قدرت سخت و حتی تقابل نظامی بکشاند.

شبیه‌سازی جنگ

ارتش امریکا روز یک‌شنبه ۲۴ ژانویه اعلام کرد که یک ناوگروه به رهبری ناو هواپیمابر تئودور روزولت «برای حمایت از آزادی رفت و آمد در دریاها» وارد دریای جنوبی چین شده و عملیات عادی و منظم خود را برای حفظ امنیت دریانوردی در منطقه انجام می‌دهد.

این نخستین اقدام تحریک‌آمیز دولت بایدن تنها چهار روز بعد از ورود او به کاخ سفید بود و با این اقدام معلوم شد این دولت در مقایسه با دولت ترامپ رویکرد تهاجمی‌تری را در قبال چین خواهد داشت. این موضوعی بود که حتی آنتونی بلیکن در جلسه استماع مجلس سنا به آن اشاره کرد و گفت: «هیچ شکی وجود ندارد که چین بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چالش برای امریکا است.» حالا مشخص شده چین نیز برخلاف موارد گذشته، خود را محدود به اعتراض‌های دیپلماتیک به اقدامات تهاجمی امریکا نکرده و با یک اقدام نظامی معنادار، پیام جدی خود را به واشنگتن رسانده است. روزنامه فایننشال تایمز روز جمعه ۲۹ ژانویه و به نقل از افراد آگاه به اطلاعات امریکا و هم‌پیمانان آن گزارش داد بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌های چین حمله‌ای را به ناوگروه تهاجمی تئودور روزولت شبیه‌سازی کرده‌اند. طبق این گزارش ارتش چین هشت بمب‌افکن H-6K و چهار جت جنگنده J-16 و یک هواپیمای جنگی ضدزیردریایی Y-8 را به منطقه اعزام کرده بود و یک تحلیلگر نظامی به روزنامه چینی گلوبال تایمز گفته بود که اقدام چین یک تمرین آموزشی به قصد «تقویت قابلیت رزم ارتش آزادی‌بخش خلق چین علیه ناوهای هواپیمابر امریکا» بود؛ چراکه این بمب‌افکن‌ها می‌توانند انجام یک حمله همه‌جانبه علیه ناوهای امریکا را تمرین کنند. بنابر این، چین با شبیه‌سازی حمله به ناو هواپیمابر روزولت و ناوگروه آن پیام روشنی را به واشنگتن فرستاده تا نشان دهد برای منافعش حتی حاضر به انجام چنین حمله‌ای نیز است.

آرایش ضدچین

به نظر می‌رسد که دولت بایدن نه‌تنها قصد دارد برنامه اوباما و چرخش استراتژیک از آتلانتیک به پاسیفیک را دنبال کند، بلکه برای پیش بردن این برنامه عجله دارد و از همین ابتدای امر دست به کار شده و در حال چینش ساختار و به کار گرفتن نیروهای لازم است تا بتواند از عهده این کار بربیاید. یکی از نشانه‌های قابل‌توجه این موضوع در تیم شورای امنیت ملی بایدن اتفاق افتاده است. وب‌سایت پولیتیکو ۲۹ ژانویه گزارش کرد که مشاور امنیت ملی جدید امریکا جیک سالیوان تلاش می‌کند تعداد افراد تیم خاورمیانه‌ای شورای امنیت ملی امریکا را کاهش دهد و به جای این حوزه، توجه خود را معطوف به حوزه پاسیفیک و اقیانوس آرام کرده و می‌خواهد تیم شورای امنیت ملی در این حوزه را گسترش دهد. این بدان معناست که حوزه کاری هماهنگ‌کننده پاسیفیک کورت کمپل افزایش می‌یابد، اما حوزه کاری هماهنگ‌کننده خاورمیانه برت مک گورک در شورای امنیت کاهش خواهد یافت. در حالی که حوزه پاسیفیک در زمان ریاست جمهوری اوباما حتی فاقد یک نیروی هماهنگ‌کننده بود، حالا این حوزه نه‌تنها هماهنگ‌کننده مستقل و خاص خود را دارد، بلکه تحت‌نظارت کمپل سه بخش به نام‌های مدیریت بخش چین توسط لورا روزنبرگر، مدیریت بخش آسیای جنوبی توسط سومونا گوها و مدیریت بخش روسیه و آسیای مرکزی توسط آندره کندال تیلور نیز به وجود آمده‌اند. یکی از مقام‌های دولت اوباما به پولیتیکو گفت: «حوزه آسیا و به ویژه چین در دولت بایدن دارای سه مدیر اصلی است و اولویت سیاست خارجی بایدن چرخش به سوی آسیاست و کمپل یکی از عوامل کلیدی در پس استراتژی مذکور است.» به این ترتیب، باید انتظار داشت که امریکا تحت رهبری بایدن و تیم امنیت ملی‌اش از خاورمیانه دور و به پاسیفیک نزدیک شود، اما نزدیکی بیش از حد به پاسیفیک بی‌شک چین را تحریک کرده و نمی‌تواند بدون پیامد باشد.

> دولت بایدن نه‌تنها قصد دارد برنامه اوباما و چرخش استراتژیک از آتلانتیک به پاسیفیک را دنبال کند، بلکه برای پیش بردن این برنامه عجله دارد و از همین ابتدای امر دست به کار شده و در حال چینش ساختار و به کار گرفتن نیروهای لازم است تا بتواند از عهده این کار بربیاید

عوامل محرکه

نکته مهم از دور جدید تقابل امریکا با چین وجود عوامل محرکه‌ای است که به نظر می‌رسد شدت و حدت آنها در دولت بایدن بیشتر از گذشته باشد. مؤسسه تحقیقاتی فیچ، پیش از این پیش‌بینی کرده بود که «بایدن موضعی سرسختانه در قبال چین خواهد داشت، زیرا احساسات هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نسبت به چین طی سال‌های اخیر بیش از پیش منفی شده و رقابت ژئوپلتیک بین دو کشور نیز رو به افزایش است.» به عبارت دیگر، یک نوع اشتراک‌نظر دو حزبی در امریکا علیه چین به وجود آمده است، به‌نحوی که اعضای کنگره با وجود تلاش ترامپ برای کاهش محدودیت‌های شرکت چینی زدتی‌ای نیز مخالفت کردند و این شرکت مخابراتی را تهدید امنیتی علیه امریکا خواندند. این رویکرد ضدچینی دو حزب با تصویب قوانین تحریمی علیه چین به روشنی دیده شد؛ چراکه لایحه مربوط به این قوانین در مجلس نمایندگان با ۴۱۳ رأی به تصویب رسید و تنها یک نماینده در این مجلس با آن مخالف بود. به این ترتیب، عامل کنگره و جریان قوی ضدچینی در آنجا باعث می‌شود تا بایدن اگر هم بخواهد باز نتواند سیاست نرمی در مقابل چین داشته باشد. حساسیت‌های چین دست‌کم در دو حوزه تایوان و دریای جنوبی چین باعث می‌شود تنش‌ها بین دو طرف بر سر این دو حوزه همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

لازم به یادآوری است که شبیه‌سازی حمله به ناو هواپیمابر روزولت به دلیل عبور این ناو از تنگه تایوان بود که پکن آن را جزو قلمروی حاکمیتی خود می‌داند. از سوی دیگر، گارد ساحلی چین تاکنون وظیفه داشت تا بدون درگیری تردد در آب‌های مورد مناقشه از جمله دریای جنوبی چین را زیر نظر داشته باشد، اما تصویب قانون اخیر اجازه درگیری را به این نیرو داد. کنگره خلق چین به‌عنوان نهاد عالی قانونگذاری در این کشور روز جمعه ۲۲ ژانویه قانون گارد ساحلی را تصویب کرد و بنابر این قانون، حالا گارد ساحلی «اجازه استفاده از تمامی ابزار لازم برای توقف یا جلوگیری از تهدیدهای ایجاد شده توسط کشتی‌های خارجی را دارد و می‌تواند تحت‌شرایطی تسلیحات مختلف (دستی، کشتی‌پایه یا هوابرد) را به کار گیرد.» تصویب این قانون پیام هشدارآمیز دیگری نه‌تنها برای کشورهای منطقه، بلکه امریکاست که چین رویکرد مماشات سابق را کنار گذاشته و آماده می‌شود تا از ابزار سخت برای دفاع از منافع ملی خود استفاده کند. در این میان، عامل محرکه اقتصادی و بلوک‌بندی‌های متعدد را باید در نظر داشت که غیبت امریکا در آنها طی چهار سال ریاست جمهوری ترامپ زمینه فعالیت چین را به شدت گسترش داده است. یکی از مهم‌ترین بلوک‌بندی‌های جدید با امضای توافقنامه تجاری بین چین و اتحادیه اروپا به نام توافق سرمایه‌گذاری جامع است که در ۳۰ دسامبر و طی کنفرانس ویدئو به امضای شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین؛ اورزلا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا؛ چارلز میشل، رئیس شورای اروپا؛ آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه رسید. علاوه بر این، چین با پیمان تجارت آزاد، RCEP، در منطقه اقیانوس آرام و اقیانوسیه یکی از بزرگ‌ترین پیمان‌های تجاری را رقم زد و از غیبت چهار ساله امریکا در زمان ریاست جمهوری ترامپ بیشترین بهره را برد. این دست پیمان‌ها و عقب افتادن امریکا باعث می‌شود تا انگیزه اقتصادی عامل محرک جدی در تقابل دولت بایدن با پکن باشد و امریکا برای بازگشت خود چاره‌ای جز استفاده از اهرم نظامی به‌عنوان مهم‌ترین تکیه‌گاه قدرت واشنگتن نداشته باشد. ورود ناو هواپیمابر روزولت به تنگه هرمز و بازگشت بمب‌افکن‌های ب-۵۲ به جزیره گوآم نشانه‌های روشنی از رو آوردن دولت بایدن به این اهرم است، اما شبیه‌سازی جنگی پکن نیز نشان می‌دهد طرف مقابل نیز آماده استفاده از این اهرم می‌باشد. در این صورت، تغییر رویکرد از قدرت نرم به قدرت سخت اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و می‌تواند منجر به اتفاقی شود که بسیاری از تحلیلگران سال‌هاست منتظر وقوع آن هستند.

دورنما

موضع‌گیری ترکیه پشت تسلیحات و تداوم تجاوز به سوریه

حسام زیدان

طوفان زمستان سردی که در شمال سوریه می‌وزد با تنشی سیستماتیک همزمان شده که بعد از عقب‌نشینی ترکیه از پست‌های بازرسی در مناطق تحت‌کنترل ارتش سوریه ایجاد شده است. این منطقه این روزها به اوج تنش در سطوح سیاسی، نظامی و میدانی رسیده است و به کانون جدید درگیری‌ها تبدیل شده که این امر، نشانگر محصور شدن ترکیه پشت تسلیحات و تداوم تجاوز علیه سوریه است.

توپخانه‌های ترکیه که روزانه از طریق مرزهای مشترک با سوریه، وارد مناطق تحت‌اشغال گروه‌های مسلح و در خطوط تماس با ارتش سوریه مستقر می‌شوند، مرزهای سیاسی را دور می‌زنند. گمانه‌هایی درباره دلایل و نیات ارتش ترکیه درباره این تحرکات و نیز افزایش شمار نظامیانش و مستقر ساختن تجهیزات نظامی در این منطقه مطرح می‌شود. همزمان گفته می‌شود که ترکیه تلاش می‌کند از طریق این تحرکات، شرایط حضورش را در سوچی، آستانه و نشست‌های کمیته تدوین قانون اساسی سوریه بهتر کند.

به نظر می‌رسد دولت ترکیه درصدد بهره‌برداری از زمان و نیز ایجاد موانع در مسیر هرگونه رویارویی سیاسی با شرکای ضامن‌کننده و جانی دوباره بخشیدن به گروه‌های مسلح است، بنابراین با خوانش تحولات در مناطق کاهش تنش، از کوه‌های شمال شرقی لاذقیه گرفته تا مناطق شمال‌غربی استان حلب و نیز حومه‌های حلب و ادلب اینگونه استنباط می‌شود که تحرکات نظامی بر عقب‌نشینی‌ها، ایجاد مراکز جدید برای استقرار و پست‌های دیده‌بانی محدود نمی‌شود، بلکه کاروان‌های حامل نظامیان و تجهیزات لجستیکی و نظامی از طریق گذرگاه‌های مرزی و گذرگاه‌هایی که طی دوران جنگ ایجاد شده، وارد مناطقی در سوریه می‌شوند.

از زمان سیطره ارتش سوریه بر شهر «سراقب»، تقریباً به صورت روزانه از ورود کاروان‌های نظامی ترکیه یا احداث پست‌های دیده‌بانی جدید سخن گفته می‌شود. ارتش ترکیه تاکنون بیش از ۶۵ پست دیده‌بانی در مناطق کاهش تنش ایجاد کرده و طبق اعلام برخی منابع، از زمان آتش‌بس در مناطق کاهش تنش، ترکیه ۸ هزار وسایل نقلیه و حدود ۱۰هزار نظامی خود را در سوریه مستقر کرده است. همچنین تعداد کامیون‌ها و خودروهای زرهی نیروهای ترکیه در منطقه کاهش تنش از دوم فوریه ۲۰۲۰ تاکنون به بیش از ۱۱ هزار و ۵۰۰ دستگاه رسیده است که حامل تانک‌ها و نفربرها، ناوهای نظامی، زره‌پوش و رادارهای نظامی هستند.

همه این تحولات با عقب‌نشینی تُرک‌ها از هفت پست دیده‌بانی -از مجموع ۱۲ پست در مناطق تحت‌سیطره ارتش سوریه- یعنی مناطق «مورک»، «شیر مغار» در حومه حماه، «عندان»، «الراشدین»، «العیس» و «الشیخ عقیل» در حومه حلب، همراه شده است، درحالی‌که عقب‌نشینی‌ها از «الطوقان» در حومه ادلب ادامه دارد و انتظار می‌رود که این منطقه طی روزهای آینده کاملاً تخلیه شود؛ یعنی نیروهای ترکیه از تمامی نقاط اصلی کاملاً محاصره‌شده عقب‌نشینی کرده‌اند و عقب‌نشینی‌ها از نقطه الطوقان به صورت تدریجی انجام می‌شود.

منابع تأکید می‌کنند ارتش ترکیه از چهار نقطه «معرحطاط»، «الصناعه» در شرق سراقب و «معمل الکورانی» در «الرزبه» و «قبتان الجبل» در حومه حلب کاملاً عقب‌نشینی کرده و در حال برچیدن تجهیزات نظامی‌اش از نقطه «الدویر» در شمال سراقب است. چندین نقطه نظامی ارتش ترکیه در مناطق تحت‌کنترل ارتش سوریه از جمله «مرکز الحبوب» در جنوب سراقب، «معمل السیرومات» در شمال سراقب، «ترنبه» در غرب سراقب و نقطه‌ای در حومه حلب در نزدیکی «کفرحل» محاصره شده است.

گسترش نقشه استقرار ارتش ترکیه در مناطق شمالی سوریه دلایل و اهدافی تاکتیکی و استراتژیک دارد و این دلایل و اهداف نمی‌توانند بر ابعاد معضلی که ترکیه برای خود به‌ویژه در حوزه امنیت ملی‌اش ایجاد کرده است، سرپوش بگذارد. ترکیه ترجیح داد به سکویی برای جنگ و تجاوز به کشور همسایه تبدیل شود.

در بعد استراتژی، دولت ترکیه شدیداً احساس می‌کند که باید برای مرحله دولت بایدن آماده شود که ممکن است فهرستی جدید از گزینه‌های مربوط به اوضاع داخلی در ترکیه و مداخلاتش در بحران سوریه را ارائه دهد. آنکارا می‌خواهد کارت‌های مذاکره خود را در چارچوب هر تحولی جدید، در هم ادغام کند چه در مقابل دولت بایدن که به نظر می‌رسد برای مرحله‌ای جدید از استثمار از پرونده کردها آماده می‌شود و چه در مقابل مسکو و تهران که تلاش می‌کنند دست آنکارا را در سوریه از طریق نابود کردن گروه‌های تروریستی- که بازوی دولت ترکیه در بحران سوریه هستند- قطع کنند.

> دولت ترکیه از یک سو، سطح بازدارندگی نظامی را در مقابل عملیات ارتش سوریه و همپیمانانش برای آزادسازی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، حضور نظامی خود را با کنترل بیشتر بر گروه‌های تروریستی در سوریه و کاهش قدرت مانوردهی نظامی و سیاسی این گروه‌ها افزایش می‌دهد

در مورد بعد تاکتیکی می‌توان گفت که تلاش‌های ترکیه برای دستیابی به اهدافی مختلف از جمله استراتژیک متمرکز است. دولت ترکیه از یک سو، سطح بازدارندگی نظامی را در مقابل عملیات ارتش سوریه و همپیمانانش برای آزادسازی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، حضور نظامی خود را با کنترل بیشتر بر گروه‌های تروریستی در سوریه و کاهش قدرت مانوردهی نظامی و سیاسی این گروه‌ها افزایش می‌دهد.

وقایع و نبردهای اخیر نشان دادند که ادلب عرصه‌ای برای بهبود شرایط مذاکره نخواهد بود، بلکه این منطقه پایان توهم گروه‌های تروریستی و حامیان‌شان است و سرزمین سوریه به آغوش صاحبانش بازخواهد گشت و تروریست‌ها نابود خواهند شد، نبرد سراقب و همچنین نبرد «معره النعمان» این واقعیت را به وضوح بیان می‌کنند.

منبع: شبکه العالم

چالش

«تغییر رژیم» روی میز سیاست روسی بایدن

سیدرضا میرطاهر

امریکا و اتحادیه اروپا همواره با مداخله در امور داخلی روسیه به ویژه ادعای حمایت از مخالفان و نیز بهانه‌های حقوق بشری به اعمال فشار علیه مسکو پرداخته‌اند. در برهه کنونی دستگیری «الکسی ناوالنی» سرکرده مخالفان دولت روسیه و تظاهرات در اعتراض به بازداشت وی به بهانه جدید غرب برای دخالت در امور داخلی روسیه تبدیل شده است.

پلیس روسیه روز یک‌شنبه ۲۸ دی ۱۳۹۹ (۳ ژانویه ۲۰۲۱) الکسی ناوالنی را که برای نخستین‌بار از زمان مسمومیت ادعایی خود در تابستان گذشته وارد خاک این کشور شد، در فرودگاه مسکو بازداشت کرد. ناوالنی از ۲۹ دسامبر ۲۰۲۰ به دلیل نقض مکرر مقررات آزادی مشروط، در لیست افراد تحت‌تعقیب پلیس فدرال روسیه قرار داشت. پرونده الکسی ناوالنی به یکی از مسائل تنش‌زا در روابط روسیه و غرب به ویژه با اتحادیه اروپا تبدیل شده و بروکسل تاکنون تحریم‌هایی نیز علیه مسکو در این زمینه اعمال کرده است. در پرونده‌ای جنجالی که به شدت مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت، این ادعا مطرح شد که ناوالنی در آگوست ۲۰۲۰ به دست عوامل روس با استفاده از یک نوع گاز اعصاب موسوم به «نوویچوک» مسموم شد، اتهامی که مسکو به شدت آن را رد کرده است. با این حال امریکا تلاش کرد از این مسئله برای تشویق آلمان به منظور کنار کشیدن از پروژه خط لوله گازی نورد استریم- ۲ سوءاستفاده نماید. آلکسی ناوالنی به‌عنوان سرکرده مخالفان همواره از حمایت گسترده اتحادیه اروپا و امریکا برخوردار شده و در اعتراضات ضددولتی در سال‌های اخیر نقش پررنگی را ایفا کرده است. درخواست‌های متعدد مقامات ارشد اروپایی و امریکایی برای آزادی ناوالنی که در واقع برای استفاده از او به منظور ایجاد ناآرامی در روسیه مطرح می‌شود با واکنش شدید مسکو مواجه شده است. «ماریا زاخاروا»، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در واکنش به درخواست مداخله‌جویانه مقامات غربی برای آزادی ناوالنی از آنها خواست به قوانین بین‌الملل و روسیه احترام بگذارند.

واکنش مسکو

وزارت خارجه روسیه در آخرین واکنش در این زمینه در ۱۲بهمن ۱۳۹۹ با صدور بیانیه‌ای در واکنش به مداخله‌جویی‌های وزیر خارجه امریکا خواهان پایان دخالت واشنگتن در امور داخلی روسیه شد. در بیانیه صادره از سوی وزارت خارجه روسیه تصریح شده که امریکا دخالت در امور داخلی روسیه را متوقف کند. وزیرخارجه امریکا با تکرار مواضع مداخله‌جویانه کشورش در امور داخلی مسکو در پیامی توییتری نوشته بود: «ایالات متحده استفاده ادامه‌دار مقام‌های روسیه از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز علیه تظاهرات مسالمت‌آمیز و خبرنگاران برای دومین هفته متوالی را محکوم می‌کند. ما بار دیگر درخواست خود از روسیه درباره آزادی الکسی ناوالنی و افرادی که برای اعمال حق مبتنی بر حقوق بشر خودشان بازداشت شده‌اند را تکرار می‌کنیم.»

«دیمیتری پسکوف»، سخنگوی کاخ سفید گفته که امریکا در اعتراضاتی که در حمایت از «آلکسی ناوالنی» برگزار می‌شود، مداخله می‌کند. این اتهام کاخ کرملین علیه واشنگتن پس از آن مطرح شد که سفارت امریکا در مسکو با صدور «اخطاریه تظاهرات» ضمن ذکر محل‌های برگزاری گردهمایی اعتراضی در شهرهای مختلف روسیه به شهروندان خود هشدار داد که از شرکت در این اعتراض‌ها خودداری کنند. پسکوف با اشاره به این اقدام گفت: «این اقدام به‌طور مستقیم مداخله قطعی در امور داخلی ماست. این حمایت مستقیم از زیرپاگذاردن قوانین مدنی فدراسیون روسیه است». در واقع سفارت امریکا با انتشار این اخطاریه، آدرس دقیق محل‌های برگزاری تجمعات غیرقانونی را به معترضان اطلاع‌رسانی کرد. ضمن اینکه امریکا روز شنبه ۴ بهمن با محکوم کردن آنچه به‌زعم خود «برخورد خشن و زننده» پلیس روسیه با معترضان خواند، از مسکو خواست تا معترضان و روزنامه‌نگاران بازداشتی در جریان این اعتراضات را آزاد کند. ۴ بهمن در مسکو و بسیاری از شهرهای روسیه اعتراضات غیرمجاز و هماهنگ نشده با مقامات مسئول در حمایت از ناوالنی برگزار شد. دادستانی و پلیس روسیه از قبل نسبت به مسئولیت شهروندان به دلیل شرکت در این اقدام غیرقانونی هشدار داده بودند. در واقع مخالفان که در سال‌های اخیر عقبگردهایی متوالی متحمل شده‌اند با دستگیری ناوالنی، به‌زعم خود فرصت را مناسب دیده و با حمایت‌های آشکار و پنهان غربی‌ها به ویژه امریکا تلاش بر ایجاد ناآرامی و بی‌ثباتی سیاسی در مسکو و دیگر شهرهای روسیه کردند. این اقدام با واکنش قاطع پلیس و نیروهای امنیتی روسیه مواجه و به دستگیری چند صد نفر از متعرضان منتهی شد.

تنش فزاینده

با روی کار آمدن دولت دموکرات بایدن در امریکا انتظار می‌رود تنش و اختلاف بین روسیه و امریکا به ویژه در زمینه موضوعات حقوق بشری افزایش یابد. این مسئله با توجه به ادعای همیشگی دموکرات‌ها درباره حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در دیگر کشورها، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. افشار سلیمانی، کارشناس حوزه کشورهای همسود معتقد است: «امریکایی‌ها مجدداً با پافشاری بر حوزه حقوق بشر سعی دارند تا روزهای سختی را برای ولادیمیر پوتین رقم بزنند، پوتین و تیمش، طی چهار سال آینده با چالش‌های زیادی روبه‌رو خواهند بود.»

دولت دموکرات امریکا در حالی زبان به انتقاد از نحوه برخورد دولت روسیه با معترضان و به ویژه الکسی ناوالنی سرکرده مخالفان پرداخته که تا قبل از این دموکرات‌ها همواره مسکو را متهم به دخالت در امور داخلی امریکا در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ امریکا و روی کار آمدن دونالد ترامپ کرده‌اند. حتی این مسئله در اواخر دوره زمامداری اوباما در دسامبر ۲۰۱۶ منجر به اعمال تحریم‌هایی علیه روسیه و اخراج شماری از دیپلمات‌های آن از امریکا شد. امریکا در سال‌های اخیر مستقیم و آشکار به مداخله در امور داخلی روسیه و تشویق مردم این کشور برای برپایی تظاهرات و اعتراضات به‌ویژه در برهه‌های پس از برگزاری انتخابات در روسیه پرداخته است. دولت روسیه بارها با انتقاد از مداخله‌جویی واشنگتن در امور داخلی آن درباره تبعات این مسئله هشدار داده است. اقداماتی که با هدف ایجاد بی‌ثباتی، افزایش اعتراضات و در نهایت ایجاد زمینه برای شکل‌گیری تحولات مطلوب خود در روسیه صورت می‌گیرد. یکی از اقدامات مشخص در این زمینه، افزایش کمک‌های مالی و نیز حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای از مخالفان و ایجاد فضاسازی منفی در زمینه اوضاع داخلی روسیه است. هدف مخالفان که با هدایت غربی‌ها اعتراضات را سامان می‌دهند، این است که با بی‌قانونی و اعتراضاتی که می‌تواند به سرعت تبدیل به تظاهراتی خشونت‌بار و خونین شود، جامعه را دچار التهاب کرده و در عین حال با پدیده قربانی‌سازی مردم عادی، آن را به مثابه دستاویزی به‌منظور تداوم اقدامات خود مورد استفاده قرار دهند. از دیدگاه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، سیاستمداران غرب‌گرا مانند ناوالنی و هواداران وی تلاش می‌کنند که از مردم عادی استفاده ابزاری نمایند.

سیاست تغییر رژیم در مسکو

خواسته امریکا روی کار آمدن فردی غربگرا مانند «الکسی ناوالنی» در رأس قدرت روسیه است. با روی کار آمدن دولت بایدن در امریکا اکنون این مسئله پررنگ‌تر شده است. به گفته مهدی سنایی، کارشناس مسائل روسیه، اعتقاد بر این است که بایدن و طرفداران او در دشمنی با روسیه راسخ‌ترند و مشکل ایدئولوژیکی هم با روسیه دارند. هدف آنها به راه انداختن انقلاب رنگی در روسیه و در نهایت تغییر دولت در پهناورترین کشور جهان و روی کار آوردن رهبران سیاسی همگام با خود در روسیه است. به همین دلیل سیاست دولت روسیه محدود کردن اعتراضات و تجمعات بوده و این سیاست از سال ۲۰۱۲ آغاز شده و از سال ۲۰۱۴ و با اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه تشدید شده است. با این حال به دلیل وابستگی آشکار مخالفان به غرب و آگاهی مردم روسیه از این امر، آنها در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده‌اند.